

فرودگاهِ استانبول. آه و حسرتِ بزرگ برای ماکه اوج فرودگاه‌داری‌مان، فرودگاهِ امام خمینی است. کوچک، محقر، غیراستاندارد و فرسنگ‌ها دور از یک فرودگاهِ استانداردِ بین‌المللی؛ حتی محقرتر از فرودگاهِ بحرین و عمان! مسافران نشسته‌اند و کارهای‌شان را می‌کنند. فروشگاه‌های بزرگ در دسترس هستند و جنب و جوش در فرودگاه شبیه رفت و آمد در شهر است. فرودگاهی که اندازه‌ش نزدیک به یک شهر شده است. انگار همه‌ی مردمِ دنیا را یک جامی بینید؛ همه‌ی نژادها، فرهنگ‌ها و زبان‌ها.



استانبول شهرِ دوست‌دارِ حیوانات است. سگ، مرغ‌های دریایی، کبوتر و گربه در همه جایِ شهر دیده می‌شوند و هیچ‌کس حق ندارد با آن‌ها بدرفتاری کند. گربه‌ها در بسیاری از مکان‌های دولتی به عنوانِ اموال و دارایی‌های اداره محسوب می‌شوند. گربه‌ها و سگ‌های استانبول می‌توانند وارد مغازه‌ها شوند، داخل کافه‌ها بروند و در کنار مشتریان بنشینند و یا در خیابان‌های سنگفرش استانبول مدت طولانی با شما همراه و هم‌قدم شوند. از یکی از دوستانم در استانبول پرسیدم اهمیتِ گربه در این شهر به خاطر چیست و جواب داد: «در میان مردم این جا باوری وجود دارد که می‌گوید اگر گربه‌ای را بکشی، برای جبران این گناه و بخشوده شدن در نزد خداوند باید یک مسجد بسازی!»